یادداشت

اثر نوسان قیمت بر صنعت لبنیات

هایده علیمردانی
مدیرعامل شرکت فرآورده‌های لبنی و پروتئینی سحر

آسیب‌شناسی‌ها حاکی است، مهم‌ترین چالش صنعت غذا در سال‌های اخیر، عدم توازن میان قیمت تمام‌شده و قیمت نهایی و فروش است. سیاست‌های اتخاذشده در طول چند سال گذشته نه‌تنها باعث ظهور این چالش شده، بلکه منجر به تزلزل بسیار محسوس در قیمت مواداولیه و حتی قیمت مصرف کننده شده است. این موضوع در نظام اقتصادی تمام کشورهای دنیا خوشایند نبوده و تعادل میان عرضه و تقاضا را برهم خواهد زد. به‌همین دلیل می‌توان گفت مساله ثبات قیمت، مهم‌ترین رکن اقتصاد هر جامعه یا سیستمی به‌شمار می‌رود. بدون شک در ایران به‌دلیل عدم ثبات قیمت مواد اولیه و بسته‌بندی، بسیاری صنایع از جمله صنعت لبنیات با این چالش مهم روبه‌رو هستند، زیرا همواره شاهد نوسانات قیمت در مقاطع مختلف زمانی بوده‌اند. صاحبان صنایع لبنی در بحث هزینه‌ها با موضوعاتی همچون تامین شیرخام به‌عنوان ماده اصلی، هزینه‌های بسته‌بندی محصولات، حقوق و دستمزد نیروی انسانی، تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات و... مواجهند؛ این موضوع موجب شده هزینه مواد اولیه و ارکان تشکیل‌دهنده قیمت تمام‌شده یک محصول لبنی بسیار بالا باشد. این درحالی است که سیاست‌گذاران زمانی برای این محصولات افزایش قیمت در نظر می‌گیرند که برابر با افزایش قیمت کارشناسی مواداولیه نیست. علاوه بر موارد ذکر شده عدم ثبات شرایط صادرات و واردات و نرخ ارز نیز عاملی شده است تا قیمت نهایی کالاها با یکدیگر متفاوت باشد؛ از این رو کارخانه‌ها و شرکت‌های تولیدی، مواد اولیه خود را با نرخ ثابتی خریداری نمی کنند و این موضوع نیز موجب شده قیمت نهایی کالا در زمان‌های مختلف متفاوت باشد. تولیدکنندگان واقعی هیچ‌گاه تمایلی برای افزایش قیمت مصرف کننده ندارند، زیرا با افزایش دوره‌ای و هر ۶ماه یکبار یا هر سال یکبار قیمت محصولات، قدرت خرید مردم بسیار کاهش می‌یابد و در نهایت فعالان اقتصادی شاهد کاهش فروش محصولات خود خواهند بود. ماحصل این سیاست‌ها تقلیل روزبه‌روز وسعت بازار فروش و در نهایت از بین رفتن تعادل میان عرضه و تقاضا شده است. در چنین شرایط اقتصادی موضوعی که می‌تواند به هر بنگاه اقتصادی کمک کند، بالا بودن سطح گردش فروش آنهاست؛ به همین دلیل تولیدکنندگان هیچ‌گاه علاقه ندارند بازده فروش‌شان کاهش یابد. نوسانات و افزایش قیمت محصولات نه‌تنها میزان فروش صاحبان کسب‌وکار را کاهش می‌دهد، بلکه یک ناامنی و بی‌اعتمادی برای مصرف کنندگان ایجاد می کند که حل این چالش از دست تولیدکنندگان خارج است، زیرا برای مثال نوسانات نرخ ارز، تغییرات در تخصیص نوع ارز و... سیاست‌هایی است که از سوی متولیان اتخاذ می‌شود و بر کسب‌وکار آنها نیز بسیار تاثیرگذار است و آنها را به اجبار به سمت افزایش قیمت‌ها سوق می‌دهد. بیایید برای نمونه به تغییراتی که در تخصیص ارز دولتی ایجاد شده است اشاره‌ای داشته باشیم؛ همان‌طور که در اواخر سال گذشته و اوایل امسال شاهد بودیم، بسیاری از اقلامی که جزو کالاهای ردیف یک بودند از لیست کالاهای مشمول ارز دولتی خارج شدند که از جمله این کالاها می‌توان به بسته‌بندی و تامین و نگهداری ماشین‌آلات و خطوط تولید اشاره کرد. به همین دلیل تولیدکنندگان موظف شدند هزینه‌های تامین و نگهداری خطوط تولیدی خود را که در بسیاری از موارد از خارج وارد می‌شوند با دلار و یوروی آزاد تامین کنند که این روند به هیچ عنوان منطق اقتصادی نداشته و صرفه‌ای برای بنگاه‌ها ایجاد نمی کند. به‌طور مثال درحال حاضر پاکت بسته‌بندی محصولات لبنی با ارز نیمایی که برابر با ارز آزاد است تامین می‌شود و این سوال پیش می‌آید که با سه تا چهار برابر هزینه کرد بیشتر، چه توجیهی برای بسته‌بندی محصولات وجود دارد؟ مگر درآمد و سود تولید این محصول چهار برابر شده است؟ بنابراین باید حداقل یک توجیه اقتصادی برای تولیدکنندگان وجود داشته باشد تا مسیر راه‌اندازی کسب‌وکار و کارآفرینی تداوم بیابد. اما متاسفانه درحال حاضر این مهم هنوز در چینش سیاست‌ها و ساختار اقتصادی تعریف مشخصی ندارد. از سوی دیگر، وابسته بودن صنایع به صادرات و واردات و نوسانات شدید در این بخش به چالش‌های فعلی افزوده است. با وجود اینکه مشکلات عنوان شده بسیار حائز اهمیت است، اما تاکنون به آن توجه لازم نشده و راهکار مناسبی نیز از سوی سیاست‌گذاران و متولیان برای رفع این مشکلات در دستورکار قرار نگرفته است. حتی در صورت ارائه راهکار باز هم هیچ ضمانت اجرایی برای آن وجود ندارد، زیرا از آنجا که تولیدکننده قادر نیست قیمت ارز را ثابت نگه دارد، پس در نهایت نمی‌تواند کنترلی روی قیمت تمام شده نیز داشته باشد. برای حل این چالش‌ها، نظام اقتصادی باید به ثبات نسبی دست یابد. خواسته تمامی فعالان اقتصادی این است که یک اقتصاد مطمئن و پایدار در کشور برقرار شود؛ این درحالی است که در شرایط فعلی، فعالان اقتصادی چشم‌اندازی از یک‌ماه آینده خود متصور نیستند و نمی‌توانند برای آینده برنامه‌ریزی کنند. به‌عنوان نمونه صاحبان کسب‌وکار نمی‌دانند در ۲۰ روز آینده، حواله خرید قطعات نگهداری خطوط را باید با چه ارزی و چند برابر قیمت‌های قبل تهیه کنند؛ این موضوع حتی در مورد خرید شیرخام نیز صدق می کند. برای حل این مشکل، ستاد تنظیم بازار نرخ‌هایی الزامی برای شیرخام گذاشته است، اما آیا دامدار هم با همین قیمت‌های تکلیفی شیر خود را می‌فروشد؟ پاسخ این سوال منفی است، زیرا زمانی که از دامدار بپرسید او نیز خواهد گفت قیمت تمام‌شده از قیمت نهایی‌اش بالاتر است. علت این عدم تعادل این است که هیچ‌گاه با نگاهی کارشناسانه و با تامین منابع پشتیبانی کننده از دولت، قیمت اجباری تعیین نشده است. در این شرایط دو سناریو وجود دارد؛ یا قیمت‌ها اجباری است که باید برای آن تدابیری اتخاذ شود یا ناگزیر قیمت‌ها باید آزاد شود و در بازار براساس عرضه و تقاضا فرمول‌ها نوشته شود. این درحالی است که برای هر دو گزینه، تمهیدات و ابزار و مقدماتی فراهم نشده و از دست تولیدکنندگان نیز خارج است. از آنجا که هیچ‌گاه کنترل‌ها و پایه‌گذاری‌های مناسب برای تولیدکنندگان پیش‌بینی نشده است، موجب شده این قشر در هر کجای دنیا از امکانات پشتیبانی مالی با بهره حداقل برخوردار باشند و همچنان تولیدکننده برای تامین سرمایه در گردش خود با سود ۲۲ تا ۲۵ درصد تسهیلات بانکی دریافت کند که در نهایت این موضوع باعث بروز بحران کمبود نقدینگی می‌شود. در پایان همان‌طور که مستحضرید امسال سال رونق تولید نامگذاری شده است، اما این مهم با چنین موانع و تغییراتی که در قوانین تجاری کشور اعمال می‌شود قرار بود چگونه شکل بگیرد؟ مطابق با ارزیابی‌ها متاسفانه اقدام موثری در این خصوص انجام نشده است؛ زیرا ابتدا باید ابزار و تمهیدات لازم برای این موضوع مهیا شود. صرف اینکه ارگان‌های ذی‌ربط قیمتی اجباری تعیین کنند کافی نیست و ضمانت اجرایی لازم را ندارد، بلکه باید پشتوانه و موجبات آن نیز تامین شود تا امکان دسترسی به اقلام مدون اقتصادی فراهم باشد. هر نظارت و اجباری نیازمند پیش‌بینی زیرساخت و ابزار متناسب با آن است.

در نشست مشترک سرپرست وزارت جهاد کشاورزی و فعالان اقتصادی چه گذشت؟

دست‌اندازهای تولید و صادرات کشاورزی

دنیای اقتصاد: مهم‌ترین دغدغه‌های فعالان اقتصادی پس از تغییر و تحولات رخ داده در وزارت جهادکشاورزی برای رونق این بخش مطرح شد. اولین حضور سرپرست وزارت جهادکشاورزی در جمع نمایندگان بخش‌خصوصی از یکسو به محلی برای طرح اصلی‌ترین چالش‌ها و مطالبات فعالان، تجار و تولیدکنندگان حوزه کشاورزی تبدیل شد و از سوی دیگر برنامه این وزارتخانه برای رونق و بهبود عملکرد این بخش رونمایی شد. «عدم استفاده مطلوب از مزیت‌های صادراتی»، «خلأ یک شبکه منسجم توزیع»، «ادامه تخصیص ارز ترجیحی»، «حذف مشوق‌ها و جوایز صادراتی»، «حضور کمرنگ تشکل‌ها در تصمیم‌سازی‌های این بخش»، «سهم محدود محصولات از بازارهای جهانی»، «قیمت‌گذاری دستوری» و «اصرار به موضوع پیمان‌سپاری ارزی» بخشی از مشکلات و موانعی است که به اعتقاد فعالان، رونق بخش کشاورزی و صنایع غذایی را با مخاطره همراه کرده است.

از این منظر رفع موانع مزبور و تسهیل فرآیندها می‌تواند شرایط را برای حرکت به سمت رونق تولیدات کشاورزی مهیا کند. فعالان همچنین به ارائه آخرین آمار از وضعیت صادرات محصولات کشاورزی پرداختند که همزمان حاکی از کاهش صادرات به لحاظ ارزشی و وزنی نسبت به مدت مشابه سال قبل بوده است. طی ۸ ماه منتهی به آبان سال ۹۸ رقمی در حدود ۳/۳ میلیارد دلار در حوزه کشاورزی و صنایع غذایی صادرات انجام شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۷ درصد به لحاظ ارزشی و ۸ درصد به لحاظ وزنی افت داشته است. پیش‌بینی فعالان این است که صادرات این دو بخش تا پایان سال به هدف‌گذاری تعیین شده یعنی ۷/۵ میلیارد دلار نرسد. از نگاه ناظران، برای بهبود بخشیدن به میزان صادرات بخش کشاورزی راهی جز حرکت به سمت مگاپروژه‌ها و تکمیل زنجیره تولید و صادرات نداریم. درحال حاضر، با وجود آنکه میزان تولیدات داخلی در بخش کشاورزی و صنایع غذایی از وضعیت نسبتا مطلوبی برخوردار است، اما به‌دلیل کامل نبودن «زنجیره تامین کالا» نمی‌توان از ظرفیت این تولیدات با هدف توسعه صادرات بهره‌مند شد. در واقع باید از طریق همگرا کردن تولید از سه منظر «قیمت»، «لجستیک» و «حمل‌ونقل» به اصلاح روندهای فعلی پرداخت و شرایط را برای حضور موثر در بازارهای هدف مهیا کرد. اما از سوی دیگر سرپرست وزارت جهادکشاورزی وجود بخشی از خلأها و چالش‌های مذکور را تایید و کوچک‌سازی و واگذاری تصدی‌گری‌های دولتی به بخش‌خصوصی را راهکار اصلی خود برای حل‌وفصل چالش‌های پیش‌رو عنوان کرد. او بر نقش نظارتی دولت تاکید کرد و گفت که حداکثر وظیفه دولت ایفای نقش حاکمیتی است و بخش‌خصوصی باید به‌عنوان پیشران توسعه در حوزه کشاورزی وارد عرصه شود.

اما در نشست مشترک فعالان بخش‌خصوصی با عباس کشاورز، سرپرست وزارت جهادکشاورزی که در اتاق بازرگانی ایران برگزار شد، نمایندگان انجمن‌ها و صنایع مختلف به بیان اهم دغدغه‌های خود پرداختند. بخشی از مباحث مطرح شده به خواست‌های صنفی در زمینه‌های مختلف اختصاص داشت و بخشی دیگر چالش‌های کلانی بود که تمامی بخش کشاورزی را تحت‌تاثیر قرار داده است. در اینجا نگاهی به چالش‌های کلانی داشته‌ایم که از نگاه فعالان اقتصادی کلیت حوزه کشاورزی را دچار مشکل کرده است.

اهم دغدغه‌ها

موانع صادراتی: به اعتقاد کارشناسان و فعالان در شرایطی که ورود ارزهای حاصل از فروش نفت کاهش یافته و قرار است در شرایط جدید در رویکرد کلان صادراتی کشور از صادرات نفتی به صادرات غیرنفتی نوعی پارادایم شیفت اتفاق بیفتد، بخش کشاورزی و صنایع غذایی پتانسیل‌های فراوانی برای کمک به تغییر این ریل‌گذاری دارند.

درحال حاضر اظهارات فعالان نشان می‌دهد که رشد صادراتی در این بخش با موانع جدی مواجه است، به‌گونه‌ای که درحال حاضر نمی‌توان ظرفیت‌های صادراتی بالقوه را به بالفعل تبدیل کرد و در عمل صادرکنندگان بی‌هویت و بی‌سابقه، جایگزین صادرکنندگان شناسنامه دار شده‌اند، صادرکنندگان جدیدی که در بازگشت ارزشان به کشور هم ضمانتی نیست. به اعتقاد فعالان، حذف جوایز و مشوق‌های صادراتی و اصرار به پیمان‌سپاری ارزی برای صادرکنندگان محصولات کشاورزی از مهم‌ترین لطمه‌های وارده به این بخش بوده است. فعالان معتقدند، پیمان‌سپاری ارزی در شرایط فعلی باعث شده است که بخشی از صادرات کشاورزی به شکل قاچاق از کشور خارج شود، بنابراین بازنگری در حوزه سیاست‌های صادراتی ضروری به‌نظر می‌رسد. از سوی دیگر، بازگشت مشوق‌های صادراتی به‌عنوان یک اهرم حمایتی در مسیر رقابت‌پذیر کردن محصولات می‌تواند در بهبود عملکرد صادرات موثر باشد. تولیدکنندگان تاکید دارند که میزان تولیداتشان در برخی از محصولات کشاورزی مانند طیور بیش از نیاز داخلی است، اما به‌دلیل موانع مذکور و همچنین آماده نبودن امکانات و زیرساخت‌های لازم، نمی‌توانند نسبت به صادرات محصولات شان اقدام کنند.

قیمت‌گذاری دستوری: یکی از چالش‌هایی که از گذشته تا به امروز روند طبیعی تولید را دچار اخلال کرده، قیمت‌گذاری دستوری است، اتفاقی که از یک سو حرکت طبیعی عرضه و تقاضا و مطلوبیت تولیدکننده و مصرف کننده را برهم زده و از طرفی باعث متضرر شدن بخشی از تولیدکنندگان در شرایط تورمی شده است، به‌گونه‌ای که فعالان تولیدی مجبور هستند محصول نهایی خود را پایین‌تر از هزینه تمام شده و نرخ تورم تولیدکننده در بازار عرضه کنند. در چنین شرایطی فعالان مجبور شده‌اند برای ادامه حیات و تامین سرمایه در گردش از سرمایه خودشان هزینه کنند.

به اعتقاد فعالان سیستم قیمت‌گذاری دستوری یا باید حذف شود یا حداقل براساس نرخ تورم قیمت‌ها را به روز کند. البته در مقابل سیاست‌گذار هم بر این باور است که نمی‌توان مصرف‌کننده را نادیده گرفت و باید نوعی توازن در سمت عرضه ایجاد کرد که در شرایط فعلی مصرف‌کننده از قدرت خرید برخوردار باشد. در این خصوص، کارشناسان معتقدند در سال‌های گذشته تا به امروز، سیاست‌گذار وجود تورم فزاینده را به گرانفروشی در سطح عرضه تقلیل داده و تلاش کرده است با ابزارهای تعزیراتی و کنترلی از جمله قیمت‌گذاری دستوری، از مصرف‌کننده حمایت کند، درحالی‌که این حمایت نمی‌تواند دوام چندانی داشته باشد، چراکه این حمایت از مسیر رونق تولید و عملکرد طبیعی بازار اتفاق نیفتاده است.

واگذاری تصدی‌گری‌های دولتی: یکی از مطالبات بخش‌خصوصی از وزارت جهادکشاورزی، حضور تشکل‌ها در تصمیم‌سازی‌های دولتی به شکل واقعی است. در این راستا حجیم بودن دولت و وجود دستگاه‌ها و سازمان‌های موازی در ساختار وزارتخانه مزبور باعث شده است که کمک گرفتن از بخش‌خصوصی از طریق برون‌سپاری تصدی‌گری‌ها امری ضروری به نظر برسد. درحال‌حاضر، حدود ۱۸۰ هزار پرسنل در وزارت جهادکشاورزی مشغول به کار هستند که در مقایسه با استانداردهای جهانی رقم بسیار بالایی به حساب می‌آید. بخش‌خصوصی معتقد است با توجه به ظرفیت‌های بالای این بخش، سیاست‌گذار باید همفکری و تعامل با بخش‌خصوصی را تسریع کند و واگذاری امور به بخش‌خصوصی را با شتاب بیشتری در دستور کار قرار دهد.

سهم محدود محصولات از بازارهای جهانی: براساس آمارهای ارائه شده تولیدات محصولات کشاورزی ایران کمتر از نیم درصد از سهم کل تولیدات محصولات کشاورزی در دنیا است. درحال‌حاضر، عمده تمرکز ایران در تولیدات صادرات‌محور بر چهار محصول «خرما»، «زعفران»، «کشمش» و «پسته» استوار شده است، این درحالی است ظرفیت‌های فراوان در سایر محصولات و امکان تنوع بخشی به تولیدات صادرات محور در ابعاد وسیع‌تر وجود دارد. به‌اعتقاد کارشناسان، در صورت ادامه این روند، ایران حتی بازار محصولاتی مانند پسته و خرما را با وجود آنکه در آنها سرآمد است به دیگر رقبا واگذار خواهد کرد.

بودن یا نبودن دلار ۴۲۰۰ تومانی: فعالان بازار معتقدند تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی منجر به اتلاف منابع شده است و در عمل کمکی به تولید و مصرف کننده نکرده است. تا کنون در سال‌جاری، رقمی در حدود ۷ تا ۸ میلیارد دلار ارز ترجیحی صرف واردات اقلام کشاورزی شده است و پیش‌بینی می‌شود عددی در همین حدود برای سال آینده هزینه واردات در این بخش شود. کارشناسان بر این باورند در شرایط کاهش درآمدهای نفتی، ادامه تخصیص این ارز به ضرر تولید و تجارت کشور است. ضمن آنکه با توجه به کسری بودجه احتمالی در سال آینده این احتمال وجود دارد که سیاست‌گذار نتواند به میزانی که هدف‌گذاری کرده است، ارز ترجیحی را برای واردات کالاهای اساسی تخصیص دهد و بنابراین لازم است که از هم اکنون به فکر سازوکارهای جایگزین حمایتی برای بخش تولید و مصرف باشد.

دو نگاه حمایتی

در نشست مشترک فعالان حوزه کشاورزی و غذایی با سرپرست وزارت جهادکشاورزی، غلامحسین شافعی رئیس اتاق ایران، در صحبت‌هایی نوع نگاه حمایتی سیاست‌گذار از تولید داخل را در کانون توجه قرار داد. رئیس اتاق ایران این پرسش را مطرح کرد که آیا حمایت دولت از تولید داخل باید مادام‌العمر باشد یا اینکه این حمایت باید از یک بازه زمانی مشخص برخوردار باشد؟ شافعی در پاسخ به این پرسش تصریح کرد که حذف واردات و رقیب خارجی و حمایت همیشگی، کمکی به تولید داخلی نمی‌کند، چراکه تولیدکنندگان در نهایت باید خود را در رقابت با تولیدات خارجی بسنجند، بنابراین بستن مسیر واردات به بهانه کمک به تولید داخلی، نمی‌تواند یک روش درست حمایتی باشد. باید حمایت‌ها در شروع یک فعالیت تولیدی اتفاق بیفتد ولی در ادامه تولیدکننده باید خودش راهش را پیدا کند.

رئیس اتاق ایران در بخش دیگری از صحبت‌هایش به ضعف در زیر ساخت‌ها از جمله بخش لجستیک و حمل‌ونقل اشاره و تصریح کرد: در صورتی که امروز تمامی دروازه‌های صادراتی به روی ما باز شود و حتی امکان ۲۰ برابری صادرات برای اقلام کشاورزی ایران نیز فراهم شود، امکاناتی برای حمل‌ونقل محصولات، به‌ویژه حمل‌ونقلی که دارای سیستم سردخانه‌ای باشد وجود ندارد. بنابراین باید به ریشه مشکلات توجه شود و حل آنها را مطالبه کرد.

نگاه سیاست‌گذار

عباس کشاورز، سرپرست وزارت جهادکشاورزی پس از طرح دغدغه فعالان، مهم‌ترین برنامه خود برای رونق تولید و صادرات را واگذاری تصدی‌گری‌های دولتی به بخش‌خصوصی عنوان کرد. به اعتقاد کشاورز، صادرات به تولید نظم می‌دهد که توامان باعث منتفع شدن تولیدکننده و صادرکننده می‌شود. البته او به برخی ملاحظات از جمله توجه به «آب بری» محصولات کشاورزی برای صادرات هم اشاره کرد. در چارچوب این نگاه، باید توجه شود که یک محصول از کدام منطقه کشور و با چه حجمی از آب بری صادر می‌شود. چراکه به‌عنوان مثال برای تولید یک کیلوگرم گوشت قرمز ۱۵ تن آب مصرف می‌شود، بنابراین صادرات گوشت قرمز نمی‌تواند به صرفه باشد. برای همین باید به مساله آب بری محصولات برای صادرات آنها توجه شود.

کشاورز همچنین به رابطه میان تولیدکننده و صادرکننده اشاره و تاکید کرد که این رابطه باید به‌صورت برد-برد تعریف شود. باید میان این دو گروه در حوزه کشاورزی تفاهمی بدون دخالت دولت به‌دست بیاید که به نفع هر دو گروه باشد.

کاهش امور تصدی‌گری‌های دولتی از دیگر محورهای مهم صحبت‌های کشاورز بود. به گفته او، دولت نمی‌تواند ذی‌نفع اقتصادی باشد، بنابراین بخش دولتی باید حداکثر در چارچوب وظایف حاکمیتی خود عمل کند. از این منظر تمامی تصدی‌گری‌ها قابلیت واگذاری به بخش‌خصوصی را دارد. سرپرست وزارت جهادکشاورزی تصریح کرد که می‌توان اجرای بخشی از امور حاکمیتی را به بخش‌خصوصی سپرد، البته مسوولیت امور حاکمیتی با دولت است و صرفا حوزه اجرا به بخش‌خصوصی واگذار می‌شود. طبیعتا توسعه بخش‌کشاورزی با بزرگ شدن دولت اتفاق نمی‌افتد، بلکه با بیشتر شدن سرمایه بخش‌خصوصی و توانمند شدن آن حاصل می‌شود. به گفته کشاورز، چنین تحولی به معنی بی‌نظمی نیست، بلکه این روش خود نوعی نظم جدید است.

او تاکید کرد بدنه وزارت جهادکشاورزی نباید حق داشته باشد که بدون مشورت با بخش‌خصوصی هیچ طرح و نظریه‌ای را اجرا کند، چون وزارت جهادکشاورزی ذی‌نفع نیست. او درخصوص حذف یا عدم حذف ارز ترجیحی توضیح داد: اگر به‌صورت بخشی و صنفی نگاه کنیم باید دلار ۴۲۰۰ تومانی حذف شود و قیمت‌ها در بازار شفاف باشد. ولی به‌عنوان عضوی از دولت نمی‌توانم با این کار موافقت کنم، چون اگر این ارز حذف شود قیمت محصولی مثل گوشت مرغ که درحال‌حاضر محصول پر مصرفی محسوب می‌شود به کیلویی ۳۰ هزار تومان می‌رسد. نمی‌توان تولید را بدون مصرف دید. اگر تقاضا نباشد تولید سرکوب می‌شود. بنابراین در حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی باید ابعاد اجتماعی ماجرا را هم مد نظر داشت. او تصریح کرد که ارز کالاهای نهایی تا حد امکان باید برداشته شود همان‌طور که دلار ۴۲۰۰ تومانی برای گوشت، چای، کره و حبوبات نیز حذف شد.

۱۷۲۸ گونه گیاه دارویی در انحصار ایران است

دنیای‌اقتصاد: مجری طرح گیاهان دارویی وزارت جهادکشاورزی گفت: پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هزار و ۷۲۸ گونه گیاه دارویی در انحصار ایران است. به گفته مجری طرح گیاهان دارویی وزارت جهادکشاورزی ایران در تولید ۲۰ تا ۳۰ گونه گیاه دارویی از جمله زعفران رتبه برتر را در دنیا در اختیار دارد. به گزارش «ایرنا» حسین زینلی در همایش ملی گیاهان دارویی اظهار کرد: اکنون ۹۰ درصد سهم تولید زعفران و ۶۰ تا ۷۰ درصد سهم تولید گل محمدی جهان مربوط به ایران است، همچنین در تولید زیره‌سیاه ایرانی و بسیاری از گیاهان دارویی دیگر رتبه یک دنیا را در اختیار داریم. او اضافه کرد: در این بین ۷۰ درصد گیاهان مهم دارویی کشور متعلق به خراسان رضوی است که اکثرا گیاهانی کم آب طلب هستند و اگر کمی به آنها توجه شود می‌توانند سهم بسیار قابل‌توجهی در اقتصاد کشور داشته باشند. وی ادامه داد: اگرچه ایران در گذشته و در عرصه طب سنتی و گیاهان دارویی رتبه‌های برتر دنیا را به خود اختصاص داده بود ولی اکنون جایگاهش به رتبه‌های میانی کاسته شده است. مجری طرح گیاهان دارویی وزارت جهادکشاورزی گفت: طی سالیان گذشته با نگرشی که به گیاهان دارویی داشتیم و کم‌توجهی به پتانسیل ژنتیکی و آداب و رسوم قبلی بسیاری از منابع ما در این زمینه از بین رفتند و موجب وارد شدن عوارض بسیاری بر کشور شدند.

زینلی افزود: طی یک دهه گذشته با توجه خاصی که به گیاهان دارویی در کشور شد، سند ملی گیاهان دارویی نوشته شد و نگاه مسوولان نیز به این موضوع مثبت‌تر شد و امروز شاهد این هستیم که گیاهان دارویی کشور به مرور مطرح می‌شوند و اکنون ۸هزار و ۵۰۰ گونه گیاهی در کشور داریم که ۲ هزار و ۳۰۰ گونه آنها دارویی هستند. وی ادامه داد: هر کدام از هزار و ۷۲۸ گونه گیاه دارویی که در انحصار ایران است می‌تواند مانند زعفران سودآوری داشته باشد مثلا درحال حاضر ۷۰ درصد داروهای گیاهی که در آلمان تولید می‌شود بر مبنای گیاهان دارویی ایران است و این موجب شده فقط ۶۰ میلیارد یورو ارزش افزوده گیاهان دارویی آنها باشد. مجری طرح گیاهان دارویی وزارت جهادکشاورزی گفت: چون نمی‌خواهیم مانند دیگر گیاهان در محصولات گیاهان دارویی هم دچار تشنج شویم به همین خاطر براساس کشاورزی مبتنی بر قرارداد حرکت می‌کنیم مثلا کسانی که وارد کشت گیاهان دارویی می‌شوند باید از قبل مشخص کنند که محصولشان چیست. زینلی افزود: هر استان کشور دارای یک ویژگی خاص است که مستعد رشد بهتر چند گونه گیاهی است به همین خاطر در استان خراسان رضوی روی کشت گیاه زعفران، زیره‌سبز و سیاه متمرکز شده‌ایم و زیره‌سیاه یکی از گیاهان اصلی کشور است که دنیا تشنه این گیاه است و اگر به این گیاه توجه شود زعفران را پشت‌سر می‌گذارد.

وی تاکید کرد: برای ارتقای جایگاه اقتصادی گیاهان باید تشکل‌ها را شکل دهیم و هر گیاه دارویی مانند زعفران باید یک تشکل ویژه خصوصی داشته باشد هرچند تاکنون هیچ گیاهی در کشور مانند زعفران قدرت نداشته است. مجری طرح گیاهان دارویی وزارت جهادکشاورزی گفت: هنوز در ابتدای راه هستیم چون روی گیاهان دارویی در دنیا بسیار کار شده به همین خاطر دیگر نباید اشتباه کنیم و باید به سمت ارگانیک بودن و تولید محصول سالم حرکت کرد چون دنیا تشنه محصولات ارگانیک و سالم است، گرچه متاسفانه آمار بالای سرطان‌ها در کشور نشان می‌دهد به محصولات سالم توجه نکرده‌ایم.

زینلی افزود: برند گیاهان دارویی در کشور ارگانیک بودن آنهاست و اگر محصولات ارگانیک باشند به راحتی صادر خواهند شد چنانکه گیاهان دارویی ایران هنوز در دنیا خواهان دارد و تمامی محصولاتی که توان صادرات دارند از جمله آنغوزه، باریجه، زعفران و موسیر به اروپا صادر می‌شوند و گیاه‌شیرین‌بیان که زمانی از وجودش عذاب می‌کشیدیم و برای نابودی‌اش میلیون‌ها تن سم استفاده می کردیم را اکنون کم داریم و پس از واردات آن در داخل فرآوری و صادرش می کنیم. وی ادامه داد: برای نخستین بار اختیارات صادرات گیاهان دارویی را به استان‌ها تفویض کرده‌ایم و باید ضمن آنکه بخش‌خصوصی تمامی اختیارات را برعهده می گیرد نسبت به تربیت تجار با انصاف و ایجاد کنسرسیوم‌هایی که بتوان در بخش ارزش گیاهان دارویی از آن بهره برد اقدام کرد چون اگر زنجیره ارزش را تشکیل ندهیم در بسیاری از مراحل، شکست خواهیم خورد. مجری طرح گیاهان دارویی وزارت جهادکشاورزی گفت: برای موفقیت زنجیره‌های ارزش نیازمند مشارکت مردمی آگاه هستیم و اگر آموزش و تربیت را در راس امور قرار دهیم بسیاری از تشکل‌ها ایجاد می‌شود و زنجیره ارزش را شکل خواهند داد.

ادامه از صفحه ۱۹

۱۰ مقصد اول توریست‌های جهان

آسیا و اقیانوسیه با رشد ۷ درصدی حدود ۴۳۶ میلیارد دلار درآمد و ۳۰ درصد از سهم درآمد گردشگری و اروپا با ۵ درصد رشد و ۵۷۰ میلیارد دلار درآمد و ۳۹ درصد از سهم کل درآمد، از رشد متوسطی در عایدی گردشگری خارجی نسبت به سال قبل بهره مند شدند. آفریقا با ۳ درصد از سهم کل درآمد گردشگری بین‌المللی و خاورمیانه با ۵ درصد از سهم گردشگری جهان با توجه به رشد قابل‌توجه در ورود گردشگر خارجی با رشد درآمد گردشگری همراه بودند که سهم هرکدام از درآمد گردشگری به ترتیب ۳۸ میلیارد دلار با ۲درصد رشد و ۷۳ میلیارد دلار با ۴ درصد رشد بوده است. اما در آمریکا با توجه به رشد ضعیف ورود گردشگران خارجی به آمریکای مرکزی و جزایر کارائیب، میزان درآمد حاصل از آن نیز بدون رشد بوده است و با ۳۳۴ میلیارد دلار همچنان ۲۳ درصد از سهم درآمد توریسم خارجی را به خود اختصاص داده است.

اروپای جنوبی و مدیترانه‌ای با ۸ درصد رشد در ورودی گردشگر خارجی و ۷ درصد رشد در درآمد حاصل از آن، در اکثر مناطق با رشدی دو رقمی همراه بود. در میان کشورهای با ورودی بیشتر توریست، ایتالیا، یونان، پرتغال و کرواسی عملکرد قوی و مثبتی داشتند و ترکیه با نرخ ارز مناسب، روند بهبودی خود را ادامه داد و اسپانیا بزرگ‌ترین مقصد منطقه، رشد بسیاری در درآمد گردشگری خارجی در سال ۲۰۱۸ داشته است. اروپای شرقی با رشد ۴ درصد ورودی و ۳ درصد درآمد و اروپای مرکزی با رشد ۵ درصد ورودی و ۹ درصد درآمد برحسب میانگین منطقه رشد داشته‌اند و از جمله دلیل افزایش گردشگر، تسهیل ویزا برای چینی‌ها در برخی مناطق بوده است. روسیه به دلیل میزبانی جام جهانی ۲۰۱۸ از رشدی دو رقمی برخوردار شد. در اروپای غربی بلژیک عملکرد مثبتی داشته و به همراه هلند در این منطقه پیشتاز بودند. اروپای شمالی با یک درصد رشد در ورودی گردشگران خارجی و درآمد حاصل از آن رشدی یکنواخت داشته است.

مناطق گردشگری جهان

منطقه آسیا و اقیانوسیه، سریع‌ترین رشد در ورودی و درآمد گردشگری خارجی در سال ۲۰۱۸ را داشته است. افزایش قدرت خرید خارجی‌ها، افزایش حمل‌ونقل هوایی و تسهیل صدور ویزا منجر به افزایش سفر به این منطقه شده است. آسیای جنوبی به‌علت رشد ورود گردشگری در کشورهایی همچون ایران، نپال، سریلانکا و هند به‌عنوان بزرگ‌ترین مقصد این منطقه، ۱۹ درصد رشد داشته است و درآمد گردشگر خارجی با رشدی، ۱۰ درصدی همراه بوده است.

ایران در سال ۲۰۱۸، در ورود گردشگر خارجی رشد ۵۰درصدی داشته و درآمد گردشگری نیز با رشد بیشتری همراه بود. شمال شرقی آسیا به‌عنوان بزرگ‌ترین مقصد گردشگری آسیا با ۶ درصد رشد در ورودی و ۹ درصد رشد درآمدی، با رشد گسترده‌ای همراه بوده است. کره‌جنوبی به‌دلیل میزبانی المپیک زمستانی ۲۰۱۸ در پیونگ یانگ، نتایج بسیار مثبتی در رشد ورودی و درآمد گردشگری خارجی داشته است. ژاپن سومین مقصد بزرگ در آسیا از مرز ۳۰ میلیون ورودی فراتر رفته و بیش از هفت میلیارد دلار نسبت به سال گذشته درآمد کسب کرد. جنوب شرقی آسیا با ۶ درصد رشد در ورود گردشگر خارجی و ۹ درصد رشد درآمدی همراه بوده است. تایلند بزرگ‌ترین مقصد این منطقه حدود ۳ میلیون ورودی گردشگر خارجی و ۶ میلیارد دلار درآمد بیشتر از سال گذشته داشته است و استرالیا به‌عنوان قدرتمندین کشور در جذب ورودی گردشگر خارجی با ۳درصد رشد و کسب درآمد بسیار با رشد ۷ درصد، منجر به رشد اقیانوسیه شده است.

آمریکا تجربه و نتایج متفاوتی داشته است. آمریکای شمالی به‌دلیل رشد مداوم و عملکرد مثبت مکزیک و آمریکا دوسوم از کل ورودی با ۴ درصد رشد را در اختیار دارد اما درآمد حاصل از آن بدون رشد بوده است. با توجه به رشد گسترده در سال ۲۰۱۷،آمریکای جنوبی در سال ۲۰۱۸ با یک درصد رشد ورود گردشگر خارجی نتایج متفاوتی به‌ویژه در کلمبیا، اکوادور و پرو داشته است. کاهش قیمت بازار بزرگ مرزی آرژانتین برخی از کشورهای منطقه را تحت‌تاثیر قرار داد و رشد درآمد گردشگری در این منطقه ۳ درصد بوده است.

آمریکای مرکزی با کاهش ۲ درصدی در ورود گردشگر خارجی به این منطقه رشد ضعیفی داشته و درآمد گردشگری آن نیز یک درصد کاهش یافته است اگرچه کشورهای بلیز، السالوادور و گواتمالا رشد نسبتا قدرتمندی داشتند. جزایر کارائیب همچنان نتایج متفاوتی داشت و با توجه به رشد مناطقی همچون جمهوری دومینیکن و جامائیکا، بیشتر کشورها تحت‌تاثیر توفان ماه‌های اوت و سپتامبر ۲۰۱۷ با کاهش یک درصدی ورودی و درآمد همراه بودند.

آفریقای شمالی عملکرد مثبت و قوی داشته و با ۱۰ درصد رشد در ورودی و ۴ درصد رشد درآمدی همراه بوده است. تونس با کاهش تبلیغات منفی علیه این کشور، بازار مناسبی برای گردشگران اروپایی به‌شمار می‌رفت. مراکش نیز با سرعت بسیاری رشد کرده است. در جنوب صحرای آفریقا، جزایر کابو، ورد، کامور، موریس و سیشل رشد قدرتمندی داشتند. کنیا با بهبود امنیت و افزایش حمل‌ونقل هوایی و همچنین توگو، اوگاندا، ساحل عاج و زیمبابوه نتایج مثبتی داشتند. این منطقه با رشد ۵ درصدی ورود گردشگر خارجی بیشترین میزان ورودی تا سال ۲۰۱۸ را داشته است.

خاورمیانه با رشد ۵ درصدی در ورود گردشگر خارجی و ۴درصد رشد درآمد، با بازگشت برخی کشورها به توسعه صنعت توریسم همراه بوده به‌گونه‌ای که در برخی مناطق گردشگری یکی از ارکان اصلی در اقتصاد کشورها به‌شمار می‌آمد و برخی از کشورهای وابسته به نفت برای توسعه گردشگری عملکردهای مثبتی داشتند. مصر با افزایش بازدیدکنندگان بازار اروپایی از رشد دو رقمی در ورودی و درآمدها برخوردار شد. اردن و لبنان نیز با بهبود روند رشد گردشگری همراه بودند.

عربستان رشد کمی داشته و امارات با برگزاری نمایشگاه اکسپو در سال ۲۰۲۰ سعی در افزایش رشد گردشگری خود دارد. با تسهیل ویزا، سرمایه‌گذاری و بازاریابی در صنعت گردشگری در تعدادی از کشورها مانند قطر که بحران دیپلماسی در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ را پشت‌سر گذاشته، شروع به بهبود کرده است.

قطر درحال‌حاضر در دسترس‌ترین مقصد توریستی در خاورمیانه به لحاظ صدور ویزا به حساب می‌آید.